

بازی بدون توپ رضایی

محسن رضایی بعد از ۴ بار کاندیداتوری نقش جدیدی ایفا می‌کند و می‌خواهد بین اصولگرایان وفاق ایجاد کند، آیا او موفق می‌شود؟



زینب موزوقی

خبرنگار گروه نقد روز

«با برادرانم در جبهه انقلاب، آقایان مخبر، جلیلی، زاکنی، بذریاش، قاضی‌زاده هاشمی، اسماعیلی و... نشست‌های صمیمانه‌ای داشتم. وحدت میان همه نیروهای انقلاب و استفاده از تمام ظرفیت‌های ملی، یک ضرورت انکارناپذیر برای پیشرفت ایران عزیز است.» محسن رضایی می‌رساند از انتخابات سال ۸۴ تا ۱۴۰۰ چهار بار کاندیدای ریاست جمهوری شده است. در سال ۸۴ روز مانده به انتخابات انصراف داد و در سه دوره دیگر یعنی ۹۲، ۹۴ و ۱۴۰۰ در هر دوره کمتر از چهار میلیون رای داشت. او در این دوره از انتخابات کاندیدا نشد، یعنی ترجیح داد به صورت مستقیم حاضر نشود. اما طبق کنش‌های سیاسی اخیرش، ظاهراً قصد دارد از خود یک لیدر و رهبر در میان جبهه اصولگرا بسازد و واکنش انتخاباتی‌اش را به شکل غیرمستقیم پیش ببرد.

یازدهم خردادماه، محسن رضایی در صفحه اجتماعی خود با انتشار پستی گرافیکی با تصاویر مخبر، جلیلی، زاکنی، بذریاش، قاضی‌زاده هاشمی و اسماعیلی از وحدت میان نیروهای انقلاب خبر داد و به شکلی خبرگزاری این جلسه میان چهره‌های اصولگرا از سوی منتشر شد که انگار خود رضایی عامل گردهم آمدن این چهره‌ها برای ائتلاف، اجماع یا به قول خودش وحدت شده است.

مشارکت همه گروه‌ها در «مانا» تا زمان اجماع و پس از آن ادامه می‌یابد

روز گذشته محسن رضایی در صفحه ایکس خود خبر برگزاری یک نشست دیگر برای اجماع و اعلام گزینه نهایی اصولگرایان شرکت‌کننده در این نشست‌ها را منتشر کرد. در آن متن نوشته بود: «در نشست صمیمانه مجمع اجماع نیروهای انقلاب، آخرین وضعیت و سازوکار اجماع نیروهای انقلاب بررسی شد و نمایندگان گروه‌ها و احزاب جبهه انقلاب نظرات‌شان را اعلام کردند. نیروهای انقلاب چاره‌ای جز اجماع بر نامزد مقبول ندارند و مشارکت همه گروه‌ها در «مانا» تا زمان اجماع و پس از آن ادامه می‌یابد.» کنش‌های انتخاباتی رضایی در این دوره از انتخابات، چند نکته و تحلیل دارد که در میان اخبار و هیاهوی نامزدی‌های تأیید صلاحیت شده گم‌شده است. آنچه در وهله اول قابل توجه است، عدم حضور محمدباقر قالیباف در نشست اولیه و معرفی او به عنوان یکی از چهره‌های جبهه انقلاب است. محسن رضایی اعلام کرده بود با مخبر، زاکنی، جلیلی، قاضی‌زاده هاشمی، بذریاش و اسماعیلی برای اعلام گزینه نهایی مانا یا همان مجمع اجماع نیروهای انقلاب جلسه برگزار کرده و در این میان نامی از قالیباف برای اجماع و مشارکت در این نشست نبوده است.

اجماع نیروهای انقلاب و چند ابهام

این درحالی است که پس از آنکه قالیباف در انتخابات شرکت کرد و حتی پیش از اعلام اسامی کاندیداهای تأیید صلاحیت‌شده از سوی شورای نگهبان، پایگاه اجتماعی خود را در میان طرفداران نیروهای انقلاب با اصولگرایان برای اخذ آرای این طیف داشت. با توجه به سابقه کارهای اجرایی قالیباف و چهارسال حضور او بر کرسی ریاست قوه مقننه، حتی پیش از اعلام اسامی نامزدی‌های

تأیید صلاحیت‌شده، به باز هم می‌شد حدس زد که اقبال برخی طرفداران جریان اصولگرایی به سوی قالیباف است، بنابراین نبود او به عنوان یکی از گزینه‌های مانا برای اجماع محل سوال و ابهام است. در این لیست اما تقریباً اسامی تمام گزینه‌های احتمالی مورد حمایت توسط دولت سیزدهم دیده می‌شود. هرچند نام‌هایی مانند بذریاش و اسماعیلی تأیید صلاحیت نشده‌اند. پس از تأیید صلاحیت‌ها و اعلام اسامی از سوی شورای نگهبان، تنها فرد تأیید صلاحیت‌شده از بدنه دولت سیزدهم، قاضی‌زاده هاشمی است. او در انتخابات ۱۴۰۰ کمتر از یک میلیون رای را توانست به خود اختصاص دهد. از سوی دیگر نام جلیلی به عنوان یکی از گزینه‌های اجماع به چشم می‌خورد. با توجه به حضور جلیلی در میان مانایی‌ها و پایگاه اجتماعی محل تردید قاضی‌زاده هاشمی، از ما افتراق پیش آمده میان نیروهای انقلاب را بیشتر کرده است؛ چراکه در این افتراق، نیروهای انقلاب در یک سو جلیلی و در سوی دیگر قالیباف را دارند که حضور هر دو چهره هم‌زمان با هم باعث شکست آرای یکدیگر خواهد شد و نتیجه آن افتراق و شستش آرا خواهد بود. یعنی مانا چه قصد داشته باشد از جلیلی حمایت کند و چه بخواهد از قاضی‌زاده هاشمی حمایت کند، باز هم اجماع صد درصدی در میان جبهه انقلاب صورت نخواهد گرفت. مسأله‌ای که در این میان به وجود می‌آید، پرسش از ماهیت واقعی این اجماع است.

اجماع بدون نگاه جامع چه معنایی دارد؟

با توجه به واقعیت جامعه یکی از مسأله‌های اصلی جبهه اصولگرایان اجماع،

ائتلاف و وحدت تنها میان دو چهره از پنج چهره تأیید صلاحیت‌شده اصولگرایان است، یعنی جلیلی و قالیباف. همچنین اگر قرار بر اجماع میان کلیت جبهه اصولگرا شود باید پایگاه اجتماعی پنج کاندیدای اصولگرا و حضور یک نامزد اصلاح طلب که از قضا کاندیدای مورد حمایت این طیف است، از سوی مانایی‌ها در نظر گرفته شود. می‌توان گفت جلسات برگزار شده توسط مانا با نام اجماع میان جبهه انقلاب، اولاینکه با واقعیت انتخابات ۱۴۰۳ تنظیم نشده و ثانیاً اجماع مورد نظر در میان تمام چهره‌های اصولگرا نخواهد بود. وقتی جریان مقابل یعنی اصلاحات با شعارهایی مانند آشتی با صندوق انتخابات و یک به علاوه پنج قصد دارند نامزد تأیید شده‌شان را مورد حمایت قرار دهند و او را به عنوان یک رقیب جدی برای نیروهای اصولگرا معرفی کنند، معنی نشست‌هایی تحت عنوان اجماع نیروهای انقلاب بدون داشتن یک نگاه همه‌نگر و جامع و همچنین با رنگ و بوی شستش آرا چه خواهد بود؟ چنین اجماعی اساساً لازم است؟

اهداف فرامتن مانا

بعد دیگر تحلیل ماجرای نشست‌هایی با زمامت محسن رضایی و بانام مجمع اجماع نیروهای انقلاب، متوجه شخص رضایی و کاراکتر سیاسی اوست. وی در تمام چهار دوره کاندیداتوری ریاست جمهوری، علی‌رغم تصمیم جدی برای حضور در انتخابات اما پایگاه رای جدی از سوی طرفداران اصولگرا نداشته و نتوانسته بود خود را برای مردم به عنوان یک گزینه اصلی برای ریاست جمهوری معرفی کند. شاید حتی به همین خاطر باشد که در انتخابات امسال هم نام نویسی نکرد، بنابراین احتمال می‌رود رضایی با برگزاری نشست‌هایی تحت عنوان اجماع



مجمع انقلاب در میان طیف اصولگرا، سعی دارد چهره جدید و جدی تری برای خود در میان این طیف تعریف کند و احتمالاً با به دست گرفتن ریاست کنش‌های انتخاباتی جریان اصولگرا، قصد دارد چهره تضعیف شده خود را در طول چهار دوره انتخابات؛ این بار یک بازسازی اساسی و جدی کند. از طرفی دیگر با توجه به چند دستگی اصولگرایان و ظهور چهره‌های جدیدی با عنوان نواصولگرایان یا حتی عدالتخواهان در چند سال اخیر، می‌توان گفت جریان اصولگرایی به معنای عام آن، زعیم، شیخ یا بزرگی ندارد که در بزنگاه‌های مهم کشور مانند انتخابات حول نظرات و کنش‌های سیاسی او گرد هم بیایند و افتراق پیش آمده را ترقی و ترقی کنند. بنابراین اولاً رضایی قصد دارد دوباره شیخوخت را در میان جریان اصولگرا زنده کند تا مانند جریان مقابل خود، یعنی اصلاح طلبان، اصولگرا را دارای یک بدنه مشخص جلوه دهند و همچنین تصمیمات نهایی در جریانات حساس سیاسی کشور از طریق یک زمامدار، شیخ و یک بزرگ خاندان اتخاذ شود.

همچنین در عین حال که رضایی قصد دارد شیخوخت را در میان جریان اصولگرایی بازگرداند، همزمان سعی دارد خود را به عنوان شیخ و بزرگ این جریان معرفی کند و یک برند جدید از شخصیت سیاسی‌اش بسازد. به تعبیری دیگر می‌توان گفت او پس از چهار دوره کاندیداتوری متوجه شده حمایت اصلی جریان اصولگرا را ندارد. از این رو در این دوره از انتخابات، با گردهم آوردن اصولگرایان به دور هم و پایگاه رای جدی از سوی طرفداران اصولگرا نداشته و نتوانسته بود خود را برای مردم به عنوان یک گزینه اصلی برای ریاست جمهوری معرفی کند. شاید حتی به همین خاطر باشد که در انتخابات امسال هم نام نویسی نکرد، بنابراین احتمال می‌رود رضایی با برگزاری نشست‌هایی تحت عنوان اجماع

چرا سفر سرپرست وزارت امور خارجه به روسیه یک اقدام راهبردی است؟

پاسخ شفاف ایران از روسیه به E3

مهدی خاتمی، زاده کارشناس مسائل بین‌الملل

قطعه‌نامه‌ای که سه کشور موسوم به E3 در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران صادر کرده‌اند، بیشتر از آنکه دارای تأثیرات میدانی و عملیاتی باشد، قرار بود پیغامی برای تهران مبنی بر ایجاد یک اجماع جهانی باشد؛ پیغامی که در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری زود هنگام در ایران، سیاستمداران در تهران را به عدم پیگیری حقوق بین‌المللی خود در پرونده توافق هسته‌ای ترغیب کند. اما این رویای غریب، در حد همان رویای باقی ماند، سه کشور اروپایی حتی در ابتدای امر نتوانستند شکرای خود در قاره سبز هم به موضع‌گیری علیه ایران وارد کنند و متنی که علیه تهران منتشر شد، منحصر به E3 باقی ماند و حتی اروپایی هم نشد. از طرف دیگر و به فاصله تنها چند روز از انتشار این قطعه‌نامه ضد ایرانی، سرپرست وزارت امور خارجه راهی روسیه شد تا در نشست وزرای خارجه بریکس شرکت کند؛ اجلاس در سطح بین‌المللی و حاوی پیام‌های امنیتی مهم.

استقبال وزرای امور خارجه چین، روسیه، برزیل، عربستان و آفریقای جنوبی از علی‌باقی‌کنی نشان داد که ایران در حال گذار هم به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای مورد توجه کشورهای تأثیرگذار جهان قرار دارد و «بریکس» که مهم‌ترین نماینده‌ی دوران گذار

ان نظام هم‌زیمنیک غربی است، تهران رانه به عنوان یک واحد سیاسی منطقه‌ای، بلکه به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار بین‌المللی در نظر دارد و این، جدی‌ترین و شفاف‌ترین پاسخی بوده که سه کشور اروپایی به فاصله چند روز از ایران دریافت کردند. حالابازی با کارت وزرگویی در یک نهاد بین‌المللی، یک فرآیند سوخته است. از سوی دیگر سخنان چند روز پیش رئیس جمهور روسیه مبنی بر لزوم ایجاد یک دستورکار امنیتی برای اجلاس بریکس، نگاه‌ها را به سمت این اتحادیه به مهم جهانی برگردانده است؛ جایی که می‌تواند زمینه را برای ایجاد سازوکارهای اجرای در حوزه امنیت هم فراهم کند. این مسأله از آنجادرای اهمیت فراوان است که مسأله فلسطین به عنوان یکی از بحران‌های اصلی حال حاضر جهان، بدون حل قطعی باقی مانده و نظام بین‌الملل کاندیدی بر ارائه راهکار برای حل این مسأله نیست. جنایت اخیر اسرائیل علیه غزه که در چند ساعت منجر به کشته شدن بیشتر از ۲۰۰ فلسطینی شد، نمادی از ناکامی و ناکارآمدی ساختار کنونی امنیتی جهان برای پایان دادن به جنگ هاست. به همین دلیل و در صورتی که اعضای بریکس نتوانند در این زمینه به یک اجماع دست پیدا کنند، الگویی از حل مشکلات بین‌المللی و جنگ‌های منطقه‌ای شکل خواهد گرفت که می‌تواند تصویری جدید از یک نظام بین‌الملل کارآمد ارائه کند.

شروع آرام کاندیدای اصلاح طلبان در اولین گفت‌وگوی تلویزیونی، ویژگی او است یا استراتژی انتخاباتی؟

در جست‌وجوی کلید پزشک‌ها

ادامه از صفحه ۱

پیش فرض آن بحث با تغییر نظر شورانگیز است که در انتخابات ۱۴۰۰ بود. خیلی‌ها فکر می‌کردند برخی مباحث پیرامون در صلاحیت لاریجانی مثل «جبران شود» و حتی ورود سریع رئیس ۳ دوره مجلس شورای اسلامی به انتخابات، یعنی او حرف سبز در دریافت کرده است. همین پیش فرض‌ها و حذف مجدد لاریجانی از صحن کاندیدها، استقبال از پزشک‌ها را معنادارتر کرده بود. پزشک‌ها برخلاف لاریجانی کارنامه‌ای کاملاً اصلاح طلب دارد و البته به خاطر کار اجرایی کوتاه در گذشته، نقد او از سوی رقیب سخت‌تر هم است.

اما نحوه ورود پزشک‌ها به انتخابات در گفت‌وگوی تلویزیونی کمی به محاسبات اصلاح طلبان آسیب وارد کرد. آنها بعد از چند دوره اخیر برای رضی کردن بدنه رای خودشان کار سختی دارند. اگر راه دوری نرویم، آنها سال ۸۸ از تقلب بزرگ در انتخابات گفتند ولی دو سال بعد خاتمی در انتخابات مجلس رای داد. دو سال بعد از آن حضور بی‌روشگی، خاتمی در انتخابات جریان اصلاحات پشت «حسن روحانی» ایستاد. روحانی برای جذب رای روی اشتباه رقیب‌اراضی کردن بخشی دیگر قمار کرد. قمار او در سال ۹۶ هم جواب داد ولی حاصل دلش سرخوردگی بدنه

از ظرفیت‌های موجود در بستر بریکس دارد. در بخشی از این سخنرانی، سرپرست وزارت امور خارجه ایران دقیقاً به مسأله نسل‌کشی در فلسطین اشاره و تأکید کرده که «بریکس با برگزاری اجلاس فوق‌العاده مسران درباره غزه و اجلاس اخیر معاونان امور غرب آسیا و شمال آفریقای وزرای امور خارجه نشان داد خواهان پاسخ‌های مؤثرتری به چالش‌ها و تهدیدها علیه امنیت و ثبات بین‌المللی و منطقه‌ای است. آنچه این روزها در غزه و رفح می‌گذرد ناعادلانه بودن نظام بین‌الملل غربی را آشکارا نشان می‌دهد. رژیم صهیونیستی و حامیان‌ش نه تنها انسانیت و اخلاق و حقوق بین‌المللی را زیر پا گذاشته‌اند، بلکه با سرکوب اطلاعات رسانه‌ای معتبر و پخش اطلاعات نادرست سعی می‌کنند افکار عمومی جهان را فریب دهند و جای سنگمرمر و ستم دیده را جابه‌جا کنند. تداوم این وضعیت بی‌گمان صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته و اقدام عاجل برای رفع آن ایستاده است.»

حالا می‌توان این تحلیل را معتبر دانست شرایط بیشتر همیشه برای انتقال قدرت از غرب به واحد‌های منطقه‌ای فراهم است. حال او برخلاف دو دهه قبل، پیام تهدید ایران از سوی E3 فقط از سوی تهران، بلکه از طرف جامعه جهانی با واکنش روبه‌رو می‌شود و خبری از یک‌جانبه‌گرایی نیست. صدای ایران در روسیه، شفاف به قاره سبز رسیده است.

نماینده مجلس بود یا مواضع آتشین و رادیکال، می‌تواند با انتخاب راه سوم روی نقاط ضعف رقیب تمرکز کند و با ایجاد تفاوت محسوس میان خودش با بقیه، کار را به دور دوم بکشاند. کاری که از او به عنوان یک نیروی سیاسی سابقه برمی‌آید. مسأله آخر اما اثر رفتار و کنش پزشک‌ها روی جناح مقابل است. اگر کاندیدای اصلاح طلبان با مسیری غیرعادی ادامه دهد، اصولگرایان احتمالاً دست‌بازتری یکدیگر را نهد می‌کنند. آنها اگر خیال‌شان از رای پایین پزشک‌ها راحت شود، متفاوت رفتار می‌کنند. ولی اگر نگران دور دوم شدن یا شکست در مرحله اول باشند، با احتیاط درباره هم کنش خواهند داشت. شاید نظر سید رای ایدئولوژیک اصولگرایان ثابت بماند ولی بخش بزرگی از کسانی که حتماً با احتمال زیاد در انتخابات شرکت می‌کنند، نظر قابل‌تغییری دارند. تغییر نظر آنها بیشتر محصول اشتباه کاندیدها دارد مسیر انتخابات است. اشتباهاتی که قبلاً از سوی همه دو ضلع اصلی اصولگرایان دیدیم و بعد نیست دوباره تکرار شود. نقش پزشک‌ها با این تفاسیر محدود به سید رای اصلاح طلبان نیست، او می‌تواند با قوت و ضعف در عمل سیاسی سید رای اصولگرایان راهم جابه‌جا کند و روی تصمیمات آنها اثرگذار باشد.